

پناهیان: پاسخ خدا به ۷ شبانه روز طلب مغفرت: «باید از همان راهی که گفته‌ام بیاید»/ راه: پذیرش برتری ولی‌الله/ معلوم نیست با ۶۰۰ سال عبادت، نفس ذلیل خدا شده باشد/ پذیرش برتری ولی خدا لازم است

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان در اولین ساعات بامداد(حدود ساعت ۲۴) در مسجد امام صادق(ع)-جنب میدان فلسطین، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند و پایان‌بخش برنامه شبهای این مسجد، دقایقی مداحی و سپس مناجات حجت الاسلام علیرضا پناهیان از ساعت ۱ تا ۱:۳۰ بامداد است. در ادامه **گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در بیست و یکمین جلسه را می‌خوانید:**

پاسخ خدا به عابد بنی اسرائیل: «باید از همان راهی که گفته‌ام بیاید»

• ماه رمضان ماه مغفرت است و به فرموده رسول خدا(ص) بدیخت کسی است که در این ماه از مغفرت خداوند محروم شود. همه مشتاقانند که حداکثر استفاده از این ماه و شبهای آن را داشته باشند. اگر کسی در این ماه از اجابت پروردگار عالم محروم شود، به این سادگی‌ها راه نجات پیدا نخواهد کرد. برای استفاده بیشتر از این ماه با عظمت و برای اینکه به اهمیت راه و مسیری که باید در پیش بگیریم، بیشتر بی‌بریم، به این روایت توجه بفرمایید.

• **امام صادق(ع) می‌فرماید: یکی از علمای بزرگ بنی اسرائیل، به حدی خدا را عبادت کرد که مانند خلال، ضعیف و باریک شده بود. خداوند از طریق وحی به پیغمبر آن زمان فرمان داد که به او بگو: به عزت و جلال و جبروتم سوگند که: اگر آن قدر مرا عبادت کنی که بدنت آب شود- مانند پیه که در اثر حرارت در دیگ ذوب می‌شود- این اطاعت و عبادت را از تو قبول نمی‌کنم مگر آنکه از همان راه و بایی که من دستور داده‌ام به سوی من بیایی؛** **إِنَّ حَبْرًا مِنْ أَحْبَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبَدَ اللَّهَ حَتَّى صَارَ مِثْلَ الْخَلَالِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ فِي زَمَانِهِ قُلْ لَهُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَجَبْرُوتِي لَوْ أَنْكَرَ عَبْدَتْنِي حَتَّى تَذُوبَ كَمَا تَذُوبُ الْأَلْيَةِ فِي الْقِدْرِ مَا قَبِلْتُ مِنْكَ حَتَّى تَأْتِيَنِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمَرْتُكَ(نواب الاعمال و عقاب الاعمال/۲۰۳).**

پاسخ خدا به ۷ شبانه روز طلب مغفرت: «باید از همان راهی که گفته‌ام بیاید»/ راه: پذیرش برتری ولی‌الله

• **امام صادق(ع) در روایت دیگری می‌فرماید: حضرت موسی(ع) از کنار مردی عبور کردند، دیدند دستش را در خانه خدا به عبادت بالا برده است. از او عبور کردند. بعد از یک هفته دوباره دیدند دست او در خانه خدا بالا است. حضرت موسی(ع) صدا زدند: خدایا این بنده تو است که دستش را به سمت تو بالا گرفته است و از تو حاجتی دارد. هفت روز است که از تو مغفرت می‌خواهد. اما هنوز جوابش را نداده‌ای. خداوند وحی فرستاد که ای موسی! اگر آن قدر دعا کند که دستهایش قطع شود، یا زبانش قطع شود، من جوابش را نمی‌دهم مگر از آن دری که به او گفته‌ام بیاید:** **مَرَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عِ بَرْجَلٍ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو اللَّهَ فَأَنْطَلَقَ مُوسَى فِي حَاجَتِهِ فَبَاتَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ رَافِعٌ يَدَيْهِ إِلَيْكَ يَسْأَلُكَ حَاجَتَهُ وَيَسْأَلُكَ الْمَغْفِرَةَ مُنْذُ سَبْعَةِ أَيَّامٍ لَا تَسْتَجِيبُ لَهُ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَوْ دَعَاَنِي حَتَّى يَسْقُطَ يَدَاهُ أَوْ يَنْقَطِعَ لِسَانُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ حَتَّى يَأْتِيَنِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمَرْتُهُ(المحاسن/۲۲۴)**

• **آن راه و بایی که باید از آن راه خدا را عبادت کنیم و الا هر چه که عبادت کنیم، نتیجه نمی‌گیرد کدام باب است؟** آن درب چیست و کجاست؟ که اگر از آن وارد نشوی، هر کاری هم انجام دهی، شما را تحویل نمی‌گیرند ولی اگر از راه آن وارد بشوی به اشاره‌ای تو را می‌بخشند. هر دو مطلب را باید قبول کرد. دقت و صفای باطن نیاز دارد.

امام صادق(ع): نفست را با پذیرش فرمان مافوق ذلیل کن

• **امام صادق(ع) می‌فرماید: نفس خودت را ذلیل کن با تحمل فرمان کسی که به عنوان مافوق تو، با تو مخالفت می‌کند و کسی که نسبت به تو برتری دارد و تو اقرار کرده‌ای به فضل او برای اینکه با او مخالفت نکنی؛** **ذَلَّلْ نَفْسَكَ بِاِحْتِمَالِ مَنْ خَالَفَكَ مِمَّنْ هُوَ فَوْقَكَ وَمَنْ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا أَقْرَرْتَ بِفَضْلِهِ لِنَا تَخَالِفَهُ(کافی/۱۵/۵۵۴).**

• این مافوق می‌تواند پدر و مادر در محیط خانه، فرمانده در محیط پادگان، رئیس شما در اداره و ... باشد. این حدیث می‌تواند در فلسفه اخلاق جای داشته باشد؛ نه اینکه صرفاً یک گزاره اخلاقی باشد. چون بیان می‌کند برای اینکه به خدا برسی، نفس تو باید ذلیل شود.

• البته روشن است که پذیرش فرمان ما فوق، تا جایی است که مخالف دستور خدا نباشد؛ همانطور که در قرآن کریم، این مطلب در مورد پدر و مادر بیان شده است. (عنکبوت/۸ و لقمان/۱۵)

باید با هوای نفس مبارزه کنیم تا ذلیل خدا شویم، و به خدا برسیم/ معلوم نیست با ۶۰۰ سال عبادت، نفس ذلیل خدا شده باشد

• برای اینکه به جایی برسی، نفس تو باید ذلیل شود. برای ذلیل شدن نفس باید با آن مبارزه و مخالفت کرد. برای مبارزه و مخالفت با نفس باید فرمان مافوق وجود داشته باشد. تنها مسیر این است و انسان مجبور به مبارزه با هوای نفس است. انسان باید مبارزه با هوای نفس بکند تا ذلیل خدا شود و بتواند به خدا برسد. امکان ندارد یک آدم متکبر- تا وقتی که متکبر است- به خدا برسد. راه رسیدن به خدا تذلل است. یعنی «من» نباید داشته باشی تا بتوانی به خدا برسی.

• **اما غالباً اگر نفس انسان با خدا تنها باشد، انگار کم کم پُرو می‌شود و برای خودش مقام و جایگاهی در نظر می‌گیرد و «من» او در مقابل خدا از بین نمی‌رود. لذا معلوم نیست در اثر ارتباط مستقیم با خدا، تذلل در مقابل خدا حاصل شود. اینکه عبادت شش هزار ساله ابلیس نابود می‌شود، پیامش این است که اگر شش هزار سال هم مستقیم خدا را عبادت کنی، معلوم نیست نفس در اثر این عبادت، ذلیل خدا شده باشد.**

اهمیت ذلیل خدا شدن / «ذلیل خدا بودن» علت انتخاب شدن موسی(ع) برای صحبت با خدا

• در مورد اهمیت ذلیل شدن نفس در مقابل خدا می‌توان به این روایت اشاره کرد که امام باقر(ع) فرمود: خداوند تبارک و تعالی به موسی(ع) وحی فرستاد: آیا می‌دانی چرا از میان همه مردم تو را برای سخن گفتن با خودم برگزیدم؟ موسی(ع) عرض کرد: پروردگارا، نه نمی‌دانم، خداوند فرمود: من بندگانت را زیر و رو کردم (آزمایش نمودم) و در میان آنها ذلیل تر و خاسک‌تر و فروتن‌تر از تو نسبت به خود ندیدم، ای موسی برای اینکه چون تو از نماز فارغ می‌شوی، روی خود را بر خاک می‌نهد. یعنی اظهار کوچکی و ناچیزی می‌نماید؛ **أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَ أَنْ يَا مُوسَى أ تَدْرِي لِمَ اصْطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي ذُونِ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلَّبْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِيَطْنُ فَلَمْ أَحِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذَلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَصَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ(کافی/۱۲۳/۲).**

«پذیرش برتری ولی الله»، راه ذلیل خدا شدن / باید قبول کنی ولی خدا از تو برتر است

- راه چیست؟ اگر من بخواهم به خدای متکبر راه پیدا کنم، باید متذلل شوم. فلسفه مبارزه با نفس این است که نفس را خوب زمین بزنی و وقتی می خواهی این کار را بکنی، خداوند ولی خودش را معرفی می کند و تو باید قبول کنی که او از تو برتر است. به غیر از پذیرش برتری او بر خودت، باید دستورات خدا را نیز از او دریافت کنی و دستوراتی که خوش می گوید را هم مانند دستورات خدا بپذیری.
- اینکه خداوند می فرماید اگر کسی آن قدر دستش را در خانه من دراز کند که دست هایش بشکند یا زبانش قطع شود؛ یا اگر آن قدر عبادت کند که مانند پیه داخل دیگ، آب شود اگر از راهی که من گفته ام نرفته باشند؛ قبول نمی کنم، این راه همان راه ولایت است که باید از آن طریق دستور خدا را دریافت کرد.

علت هلاکت ابلیس، تکبر به ولی الله / علت بخشش آدم (ع)، تواضع به ولی الله

- امام حسن عسکری (ع) از قول پیامبر اکرم (ص) فرمودند که: «ابلیس، خدا را معصیت کرد و هلاک شد چون معصیت او همراه با تکبر نسبت به حضرت آدم بود و حضرت آدم، خدا را معصیت کرد ولی سالم ماند و هلاک نشد چون معصیت خودش را با تکبر بر پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) همراه نکرد. و این سخن خدا است که ای آدم! ابلیس در تو، مرا عصیان کرد و نسبت به تو تکبر نشان داد و هلاک شد. اگر نسبت به تو با دستور من تواضع می کرد، رستگار می شد چه رستگار شدنی! و تو مرا با خوردن از شجره، معصیت کردی و با تواضع در مقابل محمد و آل محمد (ص) به تمام رستگاری می رسی؛ عَصَى اللَّهُ إِبْلِيسُ، فَهَلَكَ لِمَا كَانَ مَعْصِيَتَهُ بِالْكَبْرِ عَلَى آدَمَ وَ عَصَى اللَّهُ آدَمَ بِأَكْلِ الشَّجَرَةِ، فَسَلِمَ وَ لَمْ يَهْلِكْ لِمَا لَمْ يُقَارِنْ بِمَعْصِيَتِهِ التَّكْبَرَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْعَلِيِّينَ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لَهُ: «يَا آدَمُ عَصَانِي فِيكَ إِبْلِيسُ، وَ تَكَبَّرَ عَلَيْكَ فَهَلَكَ، وَ لَوْ تَوَاضَعَ لَكَ بِأَمْرِي، وَ عَظَّمَ عِزَّ جَلَالِي لَأَفْلَحَ كُلُّ الْفَلَاحِ كَمَا أَفْلَحْتَ، وَ أَنْتَ عَصَيْتَنِي بِأَكْلِ الشَّجَرَةِ، وَ بِالتَّوَاضُعِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ تَفْلَحُ كُلُّ الْفَلَاحِ» (احتجاج طبرسی ۵۳/۱)

شب قدر، شب عذرخواهی از امام زمان (عج) است / پذیرفته شدن توبه ما منوط به جلب رضایت امام

زمان (عج) است

- شب قدر، شب عذرخواهی از امام زمان (عج) است. پذیرفته شدن توبه ما هم منوط به جلب رضایت امام زمان (عج) است. در شب قدر پرونده ما را به دست امام زمان (عج) می دهند همان طور که در روز قیامت پرونده اعمال را به دست حضرت امیرالمؤمنین (ع) می دهند.
- پیامبر اکرم (ص) خطاب به اصحابشان می فرماید: «به شب قدر ایمان بیاورید که آن مخصوص علی بن ابی طالب و یازده فرزند او (بعد از من) می باشد؛ آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ إِنَّهَا تَكُونُ - لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لِوَلَدِهِ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ بَعْدِي» (کافی ۵۳۳/۱).

اگر شهوترانی زشت است، چون انسان هرکاری دلش خواسته انجام داده، نماز بی ولایت نیز به همین دلیل

زشت است

- اگر شهوترانی و فساد و گناه -به این دلیل که انسان هر کاری دلش خواسته انجام داده است- کار زشتی محسوب می شود، نماز بی ولایت هم زشت است چون انسان هر کاری که دلش خواسته انجام داده است. اتفاقاً نمازخوان های بی ولایت جنایت هایی را انجام داده اند که کفار هم آن کارها را نکرده اند. کفار وقتی با پیامبر می جنگیدند حرمت اسرای سپاه اسلام را نگاه می داشتند ولی نمازخوان های بی ولایت در کربلا حرمت بچه های خردسال امام حسین (ع) را هم نگه نداشتند...

